

اولین درجه تقوا

همه ما انسان‌ها در عرصه زندگی باید تمام ظرفیت وجودی خود را در مسیر عبودیت و بندگی خدا هزینه کنیم. اصل برای همه ما، عبودیت خدا و بندگی برای ذات اقدس پروردگار است. اگر ما در این عبودیت موفق شدیم، از هرچه در زندگی دنیوی عقب بمانیم، دیگر اهمیتی ندارد. اما اگر در این مسیر دچار عقب افتادگی شدیم، در هر عرصه دیگری اگر پیشرفت کنیم، بازهم این پیشرفت مقارن با سعادت نخواهد بود.

با این حال، جاده بندگی خدا همیشه هموار نیست و سنگلاخ‌ها، شداید و سختی‌های بسیاری هم وجود دارد که شاید مهم‌ترین آن‌ها، تعارضاتی باشد که میان زندگی دنیوی و عرصه بندگی پروردگار به‌وجود می‌آید. یکی از این تعارضات، غرایز و شهواتی است که در دوران جوانی بر انسان عارض می‌شود و امیال نفسانی، انسان را به تنگنایی می‌کشاند که باید از بندگی خدا دست بکشد. دوره‌میان‌سالی، دوره‌مقام، قدرت، نفوذ اجتماعی و ثروت است. در دوره‌میان‌سالی، نیازهای مادی زندگی بر ما مسلط می‌شود و این گرفتاری‌های مالی و دنبال پول دیدن، باعث می‌شود انسان در مرحله کمال زندگی خود، مدام به دنبال موقعیت اجتماعی، پیشرفت شغلی و کسب درآمد باشد اما حتی آن‌هایی که برای رسیدن به مقام و قدرت، در خدمت سایر انسان‌ها هستند، نیز عملشان با بندگی خدا سازگار نیست، چون نیت و انگیزه اصلی خدایی نیست، حتی می‌تواند یک مصاداق از شرک باشد و نه تنها انسان را از عبودیت پروردگار دور کند، بلکه به حد شرک به پروردگار برساند.

امیرالمؤمنین، امام علی^(ع)، در خطبه ذی‌قار می‌فرمایند: «... فَإِنَّ ا... تبارک و تعالی بَعَثَ مُحَمَّدًا ـ صَلَّى ا... عَلَیْهِ وَ آلِهِ ـ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ عِبَادِهِ اِلَى عِبَادَتِهِ، وَ مِنْ غُلُودِ عِبَادِهِ اِلَى غُلُودِهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ عِبَادِهِ اِلَى طَاعَتِهِ، وَ مِنْ وِلايَةِ عِبَادِهِ اِلَى وِلايَتِهِ؛ همانا خدای تعالی، محمد -صلی‌ا...علیه‌واله- را به حق مبعوث کرد تا بندگان را از پرستش بندگان به پرستش خود، و از بیعت بندگان به بیعت خود، و از فرمانبری بندگان به فرمانبری خود، و از ولایت و دوستی بندگان به ولایت خود درآورد،

در روایت معروف «عنوان بصری»، امام صادق^(ع) حقیقت عبودیت و بندگی خدا را به شکل واضحی شرح می‌دهند. راوی می‌گوید: پرسیدم حقیقت عبودیت چیست؟، حضرت فرمودند: سه چیز است، عبد آنچه خدا برایش داده است، ملک خود نیندارد، زیرا بندگان و بردگان را ملکی نباشد. همه اموال را مال خدا دانسته، آن جایش نهد که خدایش فرمان داده است. دوم اینکه بنده برای خود تدبیری از پیش خود نیندیشد و سوم آنکه تمام مشغولیت خود را در اوامر و نواهی خدای متعال قرار دهد.

پس اگر بنده خود را مالک عطایا و بخشش‌های خدای تعالی نداند، مصرف آن‌ها در مواردی که خدایش دستور داده است، برایش آسان آید و اگر بنده‌ای تدبیر امورش را به خدای مدبر واگذارد، مصیبت‌ها و حوادث ناگوار دنیا برایش سهل شود و اگر اوقات خود را مشغول به اوامر و نواهی خدای متعال کند، دیگر او را وقتی برای جدال با مردم و فخرفروشی به آن‌ها باقی نخواهد ماند و اگر خدای تعالی این سه را به بنده‌ای کرامت کند، دنیا و شیطان و تمام خلائق در مقابل دیدگانش، چیزی به حساب نیاید و دنیا را برای فخرفروشی و زیاده‌طلبی نخواهد و مال مردم را برای توانمندی و برتری جویی خود، طلب نکند و دنیای چندروزه خود را به تنبلی از دست ندهد.

همه این‌ها، درجه اول از درجات تقواست.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که همه ما را در مسیر تقوا و بندگی خود موفق کند. ان‌شاءا...!

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد

تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بپرس و بدان

حکم حضور در روز اربعین در کربلا

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۰۷۲۲۸۹ یا ۳۰۰۰ با ما در میان بگذارید.

● سؤال: در روز اربعین حسینی که کربلا مملو از جمعیت است، اگر زائری زودتر به آنجا برسد، زیارت کند و برگردد، آیا پاداش زیارت اربعین را خواهد داشت؟

● پاسخ اجمالی:

در مواقعی که انسان می‌تواند با اختیار، اعمال را کاملاً منطبق با آنچه در منابع و آموزه‌های دینی بیان شده است انجام دهد، لازم است همان گونه عمل شود و در صورت امکان با نیت و اختیار آن را تغییر ندهد. اما در مواقعی که توصیه به کاری شده است و ما نیتمان این است که آن عمل را همان گونه انجام دهیم، ولی به دلایلی (مانند ازدحام جمعیت و نظایر آن) موفق به انجام دقیق آن نشویم و ممنوعیتی از انجام غیردقیق آن هم در منابع وجود نداشته باشد، خداوند پاداش همان عمل را به ما خواهد داد.

درمورد پرسش، باتوجه به اینکه فرد واقعاً در اعماق دل خود نیت دارد که اربعین را در کربلا بماند و تنها به دلایل مصلحت اهم آن را ترک کرده است، پاداش زیارت اربعین برای او منظور خواهد شد. مشابه این موضوع را در سایر جاهایی که ازدحام بیش از حد در آنجا وجود دارد، می‌توان مشاهده کرد:

امام صادق^(ع) می‌فرمایند: «من در حال طواف بودم و سفیان ثوری، فقیه کوفه، در فاصله کمی نزدیک من طواف می‌کرد. سفیان ثوری از من پرسید که پیامبر خدا^(ص) با حجرالاسود چه برخوردی داشت؟ گفتم: پیامبر^(ص) در همه طواف‌ها، چه واجب و چه مستحب، حجرالاسود را لمس می‌کرد. سفیان کناری ایستاد. هنگامی که من به حجرالاسود رسیدم، بدون آنکه آن را لمس کنم، به طواف خود ادامه دادم. سفیان، خود را به من رساند و گفت: مگر شما نگفتید پیامبر^(ص) در همه طواف‌ها حجرالاسود را اسلام می‌کرد؟ پاسخ دادم: بله. سفیان گفت: اما دیدم که شما از حجرالاسود گذشتید و اسلام نکردید؟ گفتم: مردم به پیامبر^(ص) احترام می‌می‌گذاشتند که به من نمی‌گذارند. هنگامی که پیامبر^(ص) به حجرالاسود می‌رسید، مردم کناره می‌گرفتند تا ایشان اسلام کند(اما برای من کناره نمی‌گیرند) و من ازدحام (بیش از اندازه) را خوش ندارم. به‌رحال آنچه در ایام ازدحام بیشتر اهمیت دارد، اصل زیارت امام حسین^(ع) است که آثار و ثواب‌های زیادی برای آن درنظر گرفته شده است، به‌خصوص اگر این زیارت با پای پیاده باشد، از آن نظر که «بهترین اعمال، سخت‌ترین آن‌هاست».

● آیت‌ا...العظمی‌خامنه‌ای

انجام زیارت سیدالشهدا^(ع) در هر زمان، مستحب و دارای ثواب عظیم است، ولی ثواب زیارت زمان خاص، مختص به انجام زیارت در همان زمان خاص است، البته انجام زیارت، قبل یا بعد از آن موقع، به رجای آن ثواب مخصوص، مانعی ندارد.

● آیت‌ا...العظمی‌مکارم‌شیرازی

در صورتی که اجتماع زائران حرم حسینی در روز اربعین، اسباب مشکلاتی شود و واقعا نیت زائر، درک اربعین باشد، در هر روز از ماه صفر که امام حسین^(ع) را زیارت کند، زیارت اربعین محسوب می‌شود و ثواب اربعین را دارد.

مصادیق معنوی زیارت در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین بهاری، کارشناس دینی:

هیچ کس جامانده اربعین نیست

آمنه مستقیمی! خیلی از ما که پای رفتنمان از پیاده‌روی و زیارت اربعین بازمانده است و هنوز نتوانسته‌ایم خودمان را راضی کنیم و دلمان هوای زیارت امام حسین^(ع) را دارد، چه بسا خود را بی‌توفیق بدانیم که اباعبدا...^(ع) ما را نطلبیده است و از خیل رهسپاران طریق عشق جامانده‌ایم، اما سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری، کارشناس دینی و خطیب مذهبی که در گفت‌وگو با شهرآرآ بیان کرده است، این نوید را می‌دهد که ما نیز می‌توانیم کربلایی و زائر اربعین شویم. این گفت‌وگو را در ادامه با هم مرور می‌کنیم.



حجت‌الاسلام والمسلمین بهاری:
هرکه در این ایام در هر جای پهنه گیتی به وجود مقدس سیدالشهدا^(ع) عرض محبت و ارادت خالصانه کند، زائر اربعین حسینی شده است

موضوع اصلی در زیارت، نیت است

در زیارت همه اماکن مقدس، اصل نیت خالص زائر است، یعنی نیت بسیار مهم‌تر از رفتارها و آدابی است که زائر انجام می‌دهد، از این‌رو اگر فردی با اخلاص قلبی باور داشته باشد که هرجای این عالم رو به هریک از ذوات مقدسه سلام دهد زائر ایشان شده است، گویی آن امام را زیارت کرده است، چنان‌که امام صادق^(ع) به سدید فرمودند: «ای سدید! حسین^(ع) ما را زیارت می‌کنی؟ وی گفت: فاصله من تا کربلا بسیار است، چطور جدتان را زیارت کنم؟، حضرت صادق^(ع) فرمودند: «بعد از هر نماز رو به‌سوی حرم ایشان کن و دست بر سینه بگذار (در برخی روایات آمده است روی بلندی و زیر سقف آسمان برو) و سه مرتبه بگو صلی ا... علیک یا اباعبدا...».

جامانده، معنا ندارد

ما چیزی به معنای جامانده از اربعین نداریم. این اشتباه مصطلحی است که رواج یافته است، زیارت جابرین عبدا... در اربعین، تکلیف خیلی از مسائل را روشن کرده است. جابر در جمله‌ای می‌گوید: «بی‌شک می‌دانم که ما در ثواب شهدای کربلا، شریک هستیم: وَالذِّی بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِیًا لَقَدْ شَارَكْنَا کَمَ قِیْمَا دَخَلْتُمْ فِیْهِ»، چون با همه وجود و خلوص نیت و ارادت قلبی در برابر این ذوات مقدسه، عرض ارادت می‌کنیم، از این‌رو هرکه در این ایام در هر جای پهنه گیتی به وجود مقدس سیدالشهدا^(ع) عرض محبت و ارادت خالصانه کند، زائر اربعین حسینی شده است. اینکه با دیدن تصاویر پیاده‌روی اربعین و زائران اربعین در قاب تلویزیون، آه می‌کشیم که ای کاش ما نیز آنجا بودیم، مصادق نفس‌المهموم است که امام صادق^(ع) درباره آن فرمودند: «یک نفس و آه کشیدن برای ظلمی که به ما اهل بیت^(ع) شده است، تسبیح است»، ثواب زیارت نیز چنین است، از این‌رو چیزی به نام جامانده نداریم که بگوییم «جاماندگان سفر اربعین»، چون بُعد منزل نبُود در سفر روحانی.

میهمانانی که قیمتی شدند

هرچه معرفت افزایش یابد، ارادت و محبت نیز افزایش می‌یابد و شور به‌شعور تبدیل می‌شود و در سایه چنین تحولی، انسان لحظه‌به‌لحظه پله‌های ترقی را طی می‌کند. کسانی با خوانج مادی، پای سفره امام حسین^(ع) قیمتی شدند، آدم‌هایی که فقط برای ظواهر وارد این حریم قدسی شده بودند، اما به دلیل معرفت و ارادت قلبی‌ای که یافتند، در این خیمه ماندگار و جزو علاقه‌مندان و ارادتمندان و صاحب‌نفسان این مسیر شدند، افرادی همچون رسول ترک‌ها و طیب‌ها.

علامه‌امینی^(ع) در جلد ششم از «الغدیر» آورده است: «شخصی وهابی در بحرین نیت کرد خدا به او پسری عطا کند تا او را تربیت رزمی کند، با این نیت که در مسیر زائران حسین‌بن‌علی^(ع) قرار گیرد و زائران امام حسین^(ع) را به قتل برساند. چنین هم شد. خدا به او فرزند پسری داد که او را تربیت نظامی کرد. آن پسر راهی کربلا شد تا امر پدر را اجابت کند. در مسیر خوابش برد و در رؤیا دید که قیامت شده است و حساب‌و‌کتاب می‌کنند و در عرصه قیامت، او را به‌عنوان قاتل زائران حسین‌بن‌علی^(ع) در غل و زنجیر کرده‌اند. وی گفت: «من که کسی را نکشته‌ام، ناگاه ملکی گفت: «او را آزاد و به وی ترحم کنید، چون دستش به خون کسی آلوده نشد، در مسیر، گردوخاک زائران روی بدنش نشست و مشمول مغفرت قرار گرفت»، وی پس از بیداری به قدری به حضرت سیدالشهدا^(ع) معرفت یافت که جزو مریدان و محبان آن وجود مقدس شد، این یعنی یک تلنگر در این مسیر، انسان را در بزنگاه‌های بحرانی، از سختی‌ها و پرتگاه‌ها نجات می‌دهد. معرفت داشتن به امام حسین^(ع)، بزرگ‌ترین گامی است که می‌توان برای زیارت اثرگذار حضرت برداشت.

راه رسیدن به اخلاص در زیارت

هرچه ما درباره امام معصوم^(ع)، شناخت و آگاهی و اطلاعات و معرفت بیشتری پیدا کنیم، به وجود مبارک ایشان علاقه بیشتری نشان می‌دهیم. وقتی فردی را نمی‌شناسیم، او را دوست نخواهیم داشت، از این‌رو برای محبت داشتن به ائمه^(ع)، نیز باید ابعاد مختلف زندگی بابرکت آن بزرگواران را بشناسیم و از آن آگاهی بیابیم، به‌ویژه وجود مقدس امام حسین^(ع) را، آن‌هم نه‌فقط در دهه محرم و آنچه در کربلا و عاشورا بر ایشان گذشت، بلکه درباره تمام ابعاد زندگی آن وجود نورانی مطالعه کنیم و بشناسیمشان؛ نظیر کاری که محققان و مستشرقان انجام داده‌اند، شیعه هم باید چنین تأمل و احاطه‌ای به حیات امامان خود داشته باشد.

نزدیکی، به دل است

از نقاط مختلف دنیا چندین میلیون نفر در روز اربعین به نیت زیارت امام حسین^(ع)، مسیری طولانی را با پای پیاده طی و محبت و مودت خود را به محضر حضرت سیدالشهدا^(ع) ابراز می‌کنند، چنان‌که در نیجریه و دیگر کشورها، جمعی فراوان از شیعیان در روز اربعین چنین می‌کنند. باید گفت زیارت به نزدیکی دل و قلب است و صرفاً حضور و قرابت فیزیکی در این‌باره مطرح نیست، برای مثال منظور از اینکه درباره معراج پیامبر^(ص) آمده است حضرت رسول^(ص) به اندازه‌قاب قوسین یا کمتر از آن (آوادنی) به خدا نزدیک شدند، چنین قربانی است، نمودبالله مگر خدا جسم است یا جا و مکانی خاص دارد که رسول اکرم^(ص) به ایشان نزدیک شوند؟ این قرابت و نزدیک شدن به بعد معنوی اشاره می‌کند، یعنی ایشان به‌عنوان انسانی کامل به والاترین درجه قرب رسیدند، تاجایی که با خدا فاصله‌ای نداشتند. زائر امام حسین^(ع) هرجای این عالم باشد، اگر با خلوص نیت اراده زیارت کند و به محضر حضرت سیدالشهدا^(ع) سلام دهد، گویی در صحنه کربلا حاضر بوده است و برتر از آن حتی به تعبیر جابرین عبدا... انصاری، در ثواب زیارت شهیدان کربلا هم می‌تواند سهیم و شریک باشد، این یعنی انسان با اراده قلبی، زائر امام حسین^(ع) می‌شود.

سبکی از زندگی که زائر اربعین باید به‌کار گیرد

اگر به وجود مقدس امام حسین^(ع) معرفت بیابیم، می‌دانیم که آن حضرت هیچ اختلافی را دائمی نمی‌دانند، برای مثال اگر شخصاً به دنبال عبیدا... بی‌حر جعفری رفتند، وی را به‌عنوان فردی که جزو خوارج بود و با امیرالمؤمنین^(ع) جنگید، می‌شناختند اما حضرت اباعبدا...الحسین^(ع) خطاب به وی فرمودند: «تو گذشته کثیفی داشتی، به‌سوی ما بازگرد»، امام حسین^(ع) اختلاف را حتی با انسان‌هایی این‌چنینی کنار می‌گذارند. خوب است آن‌ها که دل‌هایشان روانه کربلا شده است، نیز این روزها اختلاف‌ها را به برکت وجود مقدس سیدالشهدا^(ع) کنار بگذارند. علاوه‌بر این، امام حسین^(ع) ظلم‌ستیز بودند که باید این بعد زندگی حضرت نیز تبیین شود. اگر آگاهی و شناخت به امام حسین^(ع) در همه ابعاد سیاسی، توحیدی، سبک زندگی اجتماعی، رفتار خانوادگی و... ایجاد شود، می‌تواند همه دردهای جامعه بشری را درمان کند، چنان‌که آنتوان بارا، نویسنده مسیحی، می‌گوید: «کاش حسین‌بن‌علی^(ع) مسیحی بود تا با او همه دنیا را مسیحی می‌کردیم». این یعنی قدرتی شگرف و بی‌مثال در مکتب و سیره و تفکر حسینی وجود دارد که اگر شناخته و به‌کار گرفته شود، تحولاتی خاص را رقم می‌زند. خبرنگار غیرایرانی که به پیاده‌روی اربعین رفته بود، بیان می‌کرد: «تعجب‌آور است که میلیون‌ها انسان طوری دور حسین‌بن‌علی^(ع) جمع شده‌اند گویی او امروز کشته شده است، باید توجه کرد که این مغناطیس، معنوی است و ژرفا و گستره‌ای بی‌مثال دارد، چنان‌که مرحوم آیت‌ا... العظمی فاضل لنکرانی می‌گفت: «هرجا خیمه‌ای به نام حسین‌بن‌علی^(ع) برپا شود، آنجا قبه‌الحسین^(ع) است»، اگر به این آموزه‌ها توجه و رفتارهایمان را با آن تنظیم کنیم، دیگر جامانده اربعین و زیارت حسینی نخواهیم بود.